فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی
سال بیست و چهارم، شماره ۷۷، بهار ۱۳۹۵، صفحات ۲۳۲-۲۱۱

تحلیلی از اثر مالیات ارزش افـزوده بـر روی اشتغال: مطالعـه بین کشوری

معصومه نعمت‌زاده
دانش آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات
ma.nematzadeh1344@gmail.com

عباس معمارنژاد
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات (نویسنده مسئول)
ab_memar@yahoo.com

چکیده
نظام مالیات بر ارزش افزوده که چند سالی است قانون آن در ایران تصویب و برای گروه‌هایی از فعالان اقتصادی به مرحله اجرا درآمده، یکی از انواع مالیات‌های غیرمستقیم است که قاعدتاً تأثیراتی را بر متغیرهای اقتصادی از جمله اشتغال خواهد داشت. از آنجایی که توجه به پیامدهای مثبت و منفی هر سیستم جدید از لوازم تضمین حصول موفقیت بیشتر در پیاده سازی آن است ، بایسته است نظام مالیات بر ارزش افزوده را نیز از این منظرمورد توجه قرار دهیم. به این منظور در این پژوهش رابطهٔ بین مالیات ارزش افزوده و اشتغال مورد بررسی قرار گرفت. این مطالعه با استفاده از مدل پانل دیتا پویا (OGMM) صورت گرفته است. نمونه آماری استفاده شده در این پژوهش مشتمل است بر ۲۷ کشور، ۱۱ کشور غیرOECD و۱۶ کشور OECD. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تأثیر مالیات ارزش افزوده بر اشتغال در کشورهای غیر OECD برابر ۰/۰۸۹ و در کشورهای OECD برابر ۰/۰۴ است. بنابراین، اثر مثبت و معنی‌دار مالیات ارزش افزوده بر اشتغال مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین، با توجه به نتایج برآوردی تأثیر سایر مالیات‌ها بر اشتغال در کشورهای غیر OECD برابر ۰/۰۱۴- و در کشورهای OECD برابر ۰/۰۲۹- می‌توان گفت که اگر مالیات از نوع ارزش افزوده باشد منجر به افزایش اشتغال خواهد شد اما سایر مالیات‌ها منجر به کاهش اشتغال می‌شود.

طبقه‌بندی JEL: *H23, H20, K34*.

واژه‌های کلیدی: *مالیات مستقیم، مالیات بر ارزش افزوده VAT، اشتغال، داده‌های تابلویی.*

*** تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۳۰**

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

۱. مقدمه

تنوع فعالیت‌های اقتصادی، از یک سو، و نقش رو به افزایش دولت‌ها در جهت گسترش خدمات عمومی، تأمین اجتماعی، تعهدات دولت در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و تلاش در جهت تحقق رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد و اشتغال از سوی دیگر، پرداخت و دریافت مالیات را به مسئله‌ای مهم و تأثیرگذار تبدیل کرده است (پژویان، ۱۳۹۰). دولت‌ها به کمک این منبع، توانایی تأمین بخش قابل توجهی از هزینه‌های گوناگون خود را به دست آورده و متناسب با حجم مالیات ستانی، قادر خواهند بود که منابع در اختیار را بر اساس اولویت‌های مورد نظر تخصیص دهند. مالیات‌ها را به طور کلی می‌توان به دو دسته مالیات‌های مستقیم که به طورمستقیم از افراد و خانوارها گرفته می‌شود و مالیات‌های غیرمستقیم که بر قیمت کالاها و خدمات اضافه شده و از مصرف‌کننده کالا گرفته می‌شود، تقسیم نمود. مالیات بر ارزش‌افزوده از جمله مالیات‌های غیرمستقیم و در دسته‌بندی مالیات بر مصرف و فروش است. مالیات بر ارزش افزوده در بسیاری از کشورها یک منبع درآمدی باثبات به منظور پوشش مخارج دولت در نظر گرفته می‌شود؛ چون این مالیات از مصرف اخذ می‌شود و مصرف نیز به مثابه بخشی از تولید ناخالص داخلی، کمتر دچار نوسان می‌شود، بنابراین اعمال این مالیات نوعی درآمد باثبات برای دولت ایجاد می‌کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۲) که می‌تواند به اهداف و اولویت‌های مدنظر خود تخصیص دهد.

یکی از مهم‌ترین اولویت‌های هر دولت در هزینه کردن درآمدهای خود کاهش نرخ بیکاری و، به عبارتی، افزایش اشتغال است. معمولاً درآمدهای حاصل از مالیات‌ها در جهت تأمین مخارج دولت مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما برخلاف اخذ مالیات‌ها که دارای اثرات انقباضی است، مخارج دولت موجب افزایش تقاضای کل در جامعه می‌شود، که با فراهم بودن امکان گسترش تولیدات بخش‌ها، زمینهٔ افزایش تولید و اشتغال برای نیروی انسانی را فراهم می‌کند. هدف این مقاله بررسی ارتباط بین مالیات بر ارزش افزوده و اشتغال در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه و، علاوه بر آن، بررسی تفاوت بین اثر مالیات بر ارزش افزوده بر اشتغال در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و کشورهای غیرعضو آن است. به منظور تأمین اهداف فوق، تابع اشتغال و متغیرهای تأثیرگذار بر آن از جمله مالیات بر ارزش افزوده برای ۱۱ کشور غیرOECD [1] شامل برزیل، کلمبیا، غنا، هند، مالزی، مولداوی، نپال، پرو، فیلیپین، آفریقای جنوبی و اروگوئه و ۱۶ کشور عضو OECD شامل استرالیا، اتریش، بلژیک، کرواسی، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، مجارستان، کره جنوبی، هلند،

1. Organisation For Economic CO-Operation And Development (OECD)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

نروژ، رومانی، اسپانیا، انگلیس و آمریکا، برای دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲م، برآورد گردیده است. دلیل انتخاب کشورهای منتخب در هر دو دسته را می‌توان محدودیت‌های دسترسی به آمار و اطلاعات و شباهت کشورهای انتخابی از نظر ساختار مالیاتی دانست.

۲. مبانی نظری تحقیق

از دیدگاه اقتصادی منظور از ارزش افزوده، افزایش در ارزش پولی یک کالا بر اثر انجام کار یا خدمتی بر روی آن است که سبب تغییر کاربرد، بهبود کیفیت یا تسهیل در مصرف آن شود (رحمانی، ۱۳۷۸). به عبارت دیگر، ارزش افزوده عبارت است از مابه التفاوت بین ارزش ستاده و داده؛ اما با تدوین قانون و به لحاظ ارائه نگرش مطلوب اجرایی، این تعریف براساس استانداردهای حسابداری و با تکیه بر روش صورت‌حساب ارائه می‌گردد. بر اساس این روش، ارزش افزوده تفاوت بین دریافتی یک بنگاه از محل فروش محصول تولید شده و پرداختی‌های آن بر روی مواد اولیه به کار گرفته شده در فرایند تولید آن محصول است. مالیات بر ارزش افزوده مالیاتی است که بر ارزش فروش یک محصول در هر مرحله از تولید و توزیع وضع می‌گردد. به عبارت دیگر، در هر مرحله از تولید در زمانی که کالا و خدمات به تولیدکننده یا مصرف‌کننده نهایی عرضه می‌گردد، قابل پرداخت است. همچنین، به عرضه‌کننده اجازه داده می‌شود مالیات بر ارزش افزوده پرداختی بابت خرید عوامل تولید را از میزان مالیات قابل پرداخت خود کسر کند. این نوع مالیات همهٔ فعالیت‌های مولد اقتصادی را به طور یکسان درنظر می‌گیرد. مالیات بـر ارزش افزوده براساس پایه مالیاتی به ۳ نوع تقسیم می‌شود. مالیات بر ارزش افزوده از نوع تولیدی (P-VAT)، مالیات بر ارزش افزوده از نوع درآمدی (I-VAT) و مالیات بر ارزش افزوده نوع مصرفی (C-VAT). هر یک از این انواع به نوبه خود می‌تواند به لحاظ دامنه شمولیت تحت دو قاعده مبدأ[1] و قاعده مقصد[2] به کار گرفته شوند. باید توجه داشت که در نظام مالیات بر ارزش افزوده برای مشخص کردن پایه مالیاتی از تولید ناخالص داخلی به روش مخارج استفاده می شود.

از سیاست‌های پولی و مالی دولت، عموماً به عنوان «سیاست‌های مدیریت تقاضا» یاد می‌شود. چون این سیاست‌ها مدیریت و کنترل تقاضا را مورد بررسی قرار می‌دهند. اهداف کلی و مشترک سیاست پولی و مالی (سیاست مدیریت تقاضا)، نزدیک نگه داشتن تولید و اشتغال به وضعیت بالقوه یا اشتغال کامل و تثبیت سطح قیمت‌های موجود در اقتصادند. بروز مازاد تقاضا احتمالاً موجب تورم

1. origin principle
2. destination principle

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

خواهد شد، در حالی که کمبود تقاضا، حتی به‌طور موقت، بیکاری نیروی کار و افت قیمت‌ها را در پی خواهد داشت.

مکانیسم اثرگذاری سیاست‌های مالی بر اشتغال، در طی زمان دستخوش تحولاتی شده است. نظریات مکاتب مختلف اقتصادی درخصوص اشتغال و چگونگی اثرگذاری سیاست‌های مالی بر این متغیر را، می‌توان به صورت جدول (۱) خلاصه کرد.

جدول ۱. آثار سیاست‌های مالی بر اشتغال در مکاتب مختلف اقتصادی

مکاتب	مفروضات	نتایج نظریات	
		بیکاری	اثر سیاست مالی بر اشتغال
کلاسیک‌ها	اعتقاد به مکانیسم بازار و قیمت ها	اقتصاد در اشتغال کامل است	بی اثر بودن سیاست پولی و مالی بر اشتغال
کینزین‌ها	بررسی اقتصاد در کوتاه مدت	بیکاری غیر ارادی	فقط سیاست مالی و تغییرات مخارج کل، سبب تغییر اشتغال و درآمد می‌شوند و سیاست های پولی، به صورت غیر مستقیم از طریق تأثیر بر نرخ بهره و تغییر تقاضای واقعی مؤثرند
پول‌گرایان	تأکید بر نقش پول در اقتصاد	وجود نرخ طبیعی بیکاری	سیاست مالی بر اشتغال اثر ندارد. سیاست پولی نیز در کوتاه مدت بر متغیرهای اقتصادی اثر می‌گذارد و در میان‌مدت و بلندمدت فقط اثرات تورمی دارد.
کلاسیک-های جدید	پذیرفتن فرض انتظارات عقلایی	وجود بیکاری ارادی در حد نرخ طبیعی بیکاری و وجود بیکاری اصطکاکی	سیاست مالی بر اشتغال اثر ندارد و سیاست‌های پولی، هنگامی که غیرمنتظره باشند، اشتغال را موقتاً تحت تأثیر قرار می‌دهند.
کینزین‌های جدید	در نظر گرفتن انعطاف ناپذیری قیمت‌ها	بیکاری غیر ارادی	محدود کردن قدر اتحادیه‌ها و تصحیح در اطلاعات بازار کار توسط دولت را، مؤثر می‌دانند.

مأخذ: محاسبات تحقیق

عرضه کل اقتصاد و تولید کل یک جامعه تابعی از عوامل گوناگون است. به عنوان مثال، اگر عرضه نیروی کار بیشتر از تقاضای نیروی کار باشد، انتظار بر این است که تولید کل اقتصاد نیز بیشتر شود. از طرفی، عرضه نیروی کار تابعی از تصمیم خانوارها درباره انتخاب بین فراغت و کارکردن است که خانوارها برای این انتخاب به مالیات توجه دارند. بدین صورت که اگر مالیات به گونه‌ای وضع شود که خانوار را در جهت ترجیح فراغت بر کار بیشتر تحریک کند، انتظار می‌رود عرضه نیروی کار جامعه

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

کاهش یابد و پیامد آن احتمالاً کاهش تولید در اقتصاد است. همچنین، تقاضای کل، مجموع مخارج نهایی مربوط به مصرف خصوصی، سرمایه‌گذاری خصوصی، هزینه‌های دولت و خالص صادرات است. حال هر مالیاتی که به نحوی، اجزای تقاضای کل را تحت تأثیر قرار دهد، دارای آثار اقتصادی در سطح کلان خواهد بود.

در همین زمینه مالیات بر ارزش افزوده یکی از انواع مالیات‌هایی است که بر مصرف وضع شده و، در واقع، درآمد قابل تصرف جامعه و مصرف‌کنندگان را کاهش می‌دهد و می‌تواند باعث کاهش مخارج مصرفی شود. علاوه بر این، اعمال نظام مالیاتی ارزش افزوده مانند هرنوع مالیات دیگر انگیزه فرار از آن را به همراه دارد. فرار مالیاتی در مورد نظام مالیاتی مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند از طریق ثبت نشدن دقیق خرید و فروش‌ها، تبانی بین تولیدکنندگان در مراحل مختلف و حتی با مصرف‌کنندگان انجام شود. یعنی خطر کشف و شناسایی نشدن پایه مالیاتی برای نظام مالیاتی ارزش افزوده نیز وجود دارد (طیب‌نیا، ۱۳۸۳)

از نظر تئوریک بخشی از مالیات‌های غیر مستقیم مثل مالیات بر ارزش افزوده به دلیل فشارهزینه‌ای که منجر به انتقال منحنی عرضه به سمت چپ می‌شود، از تولیدکنندگان به خریداران منتقل می‌شوند. این سیاست همانند افزایش در دیگر اجزای ارزش افزوده نظیر دستمزد و حاشیه سود، منجر به افزایش قیمت کالاها و خدمات می‌شود.

با توجه به واسطه یا نهایی بودن کالاها، این افزایش اثرات متفاوتی بر شاخص قیمت تولیدات بخش‌های مختلف اقتصادی خواهد داشت. البته این تفاوت‌ها به همین‌جا ختم نمی‌شود. بلکه بالا بردن هزینهٔ واسطهٔ تولیدات بخش‌ها، سبب افزایش شاخص‌های قیمت دیگر بخش‌های اقتصاد نیز می‌شوند. با این حال، مالیات بر تولیدات بخش‌هایی که محصولات آنها عمدتاً به مصرف نهایی رسیده یا حتی به مصرف بخش‌هایی می‌رسند که ارتباط کمتری با دیگر بخش‌های تولیدی اقتصادی دارند، اثر محدودتری بر شاخص قیمت خواهد گذاشت.

از سویی، افزایش سطح قیمت‌ها ناشی از مالیات‌های غیرمستقیم، موجب کاهش درآمد واقعی مصرف‌کنندگان و در نتیجه کاهش مصرف آنها می‌شود. به این ترتیب، مالیات‌های غیر مستقیم دارای اثرات انقباضی در اقتصاد خواهد بود. از سوی دیگر، مالیات‌ها که از منابع درآمدی دولت هستند، می‌توانند سبب کاهش کسری بودجه و در نتیجه مانع استفاده از سیاست‌های انبساطی پولی شوند.

معمولاً درآمدهای حاصل از مالیات‌ها نیز در جهت تأمین مخارج دولت مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما برخلاف اخذ مالیات‌ها که دارای اثرات انقباضی است، مخارج دولت موجب افزایش

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

تقاضای کل در جامعه می‌شود که با فراهم بودن امکان گسترش تولیدات بخش‌ها، زمینهٔ افزایش تولید و اشتغال برای نیروی انسانی را فراهم می‌کند. در صورتی که دولت اقدام به اخذ مالیات غیرمستقیم از بخش‌های اقتصادی کند، دریافت این مالیات سبب کاهش قدرت خرید خانواده‌ها و، در نتیجه، کاهش در مصرف آنها می‌شود. در کوتاه مدت، برآیند این دو اثر که دولت همهٔ مالیات‌های غیر مستقیم دریافتی را هزینه می‌کند، از یک سو، تابع میزان کاهش مصرف خانوارهاست که به نوبهٔ خود به عواملی چون میل متوسط به مصرف و ترکیب هزینه‌های مصرفی آنها وابسته است. از سوی دیگر، به ترکیب انواع هزینه‌های دولت و تأثیر آن‌ها بر اقتصاد بستگی خواهد داشت.

براساس آنچه گفته شد، ملاحظه می‌شود که اعمال مالیات بر ارزش افزوده از طریق تأثیرات متفاوتی که بر متغیرهای اقتصادی - چه در سمت عرضه کل اقتصاد و چه در سمت تقاضا - می‌گذارد، می‌تواند آثار متفاوتی بر میزان تولید، رشد اقتصادی و، در نتیجه، نرخ اشتغال داشته باشد. بر این اساس نمی‌توان به طور قطع در مورد اثر مستقیم اعمال مالیات بر ارزش افزوده نظر داد. بلکه تأثیرگذاری مالیات بر ارزش افزوده بر نرخ اشتغال به برایند اثرات بیان شده بر آن در هر کشور بستگی دارد.

مجموع اثرات مالیات بر ارزش افزوده بر متغیرهای مختلف اقتصادی از جمله اشتغال را می‌توان براساس دو فرض کلی بنا کرد. فرض اول این است که در صورت افزایش و یا اعمال مالیات بر ارزش افزوده مخارج دولت ثابت باشد و فرض دوم این است که با اعمال یا افزایش در نرخ مالیات بر ارزش افزوده، میزان کسری بودجه دولت ثابت باشد. بدین معنی که دولت به ازای افزایش در نرخ مالیات بر ارزش افزوده، مخارج خود را نیز افزایش دهد.

مطالعات تجربی در مورد اثر مالیات بر ارزش افزوده بر نرخ رشد اقتصادی و اشتغال نشان می‌دهد که اعمال یا افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده، با فرض ثبات مخارج دولت، اثر مثبتی بر اشتغال دارد، لیکن در صورتی که با اعمال یا افزایش مالیات بر ارزش افزوده، میزان کسری بودجه دولت ثابت باشد، بیکاری افزایش خواهد یافت. (فاجاردو، ۲۰۱۲)

در جدول شماره (۲) نسبت مالیات ارزش افزوده به ارزش افزوده بخش صنعت و خدمات و نیز نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی (T/GDP) در برخی از کشورهای OECD و غیر OECD ارائه شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود میزان مالیات ارزش افزوده در اکثر کشورهای عضو OECD نسبت مالیات ارزش افزوده به ارزش افزوده بخش صنعت و خدمات از کشورهای غیر OECD بالاتر است به نحوی که بالاترین نسبت در کشورهای عضو OECD متعلق به دانمارک با ۱۶/۸۹٪ و در کشورهای غیر عضو OECD متعلق به اروگوئه با ۱۵/۶۳٪ است. همچنین، بالاترین نسبت مالیات به

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

تولید ناخالص داخلی در کشورهای عضو OECD مربوط به دانمارک با ۳۳/۴٪ و در کشورهای غیر OECD مربوط به افریقای جنوبی با ۲۵/۵٪ است.

همچنین، پایین‌ترین نسبت مالیات ارزش افزوده به ارزش افزوده بخش صنعت و خدمات در کشورهای عضو OECD مربوط به ایالات متحده آمریکا با ۰/۵ درصد و در کشورهای غیر OECD مربوط به کشور مالزی با ۳/۶ درصد است. پایین‌ترین نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در کشورهای عضو OECD مربوط به اسپانیا با ۷/۲ درصد و در کشورهای غیر OECD مربوط به هند با ۱۰/۵ درصد می‌باشد.

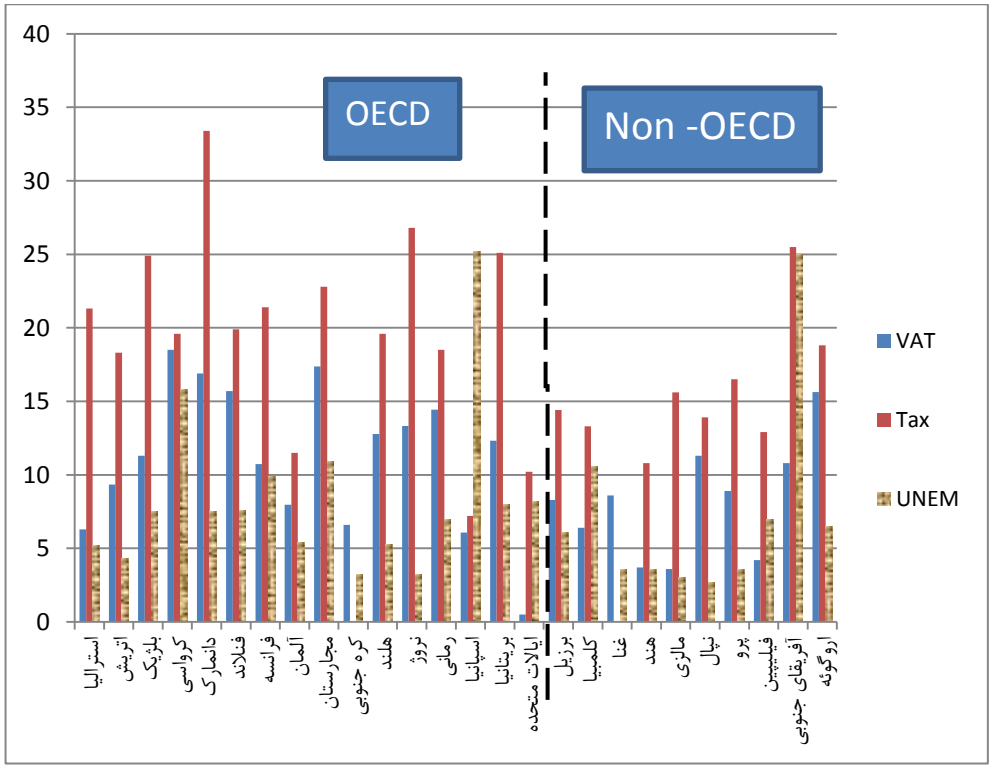
جدول ۲. میزان vat, tax در کشورهای OECD و غیر OECD در سال ۲۰۱۲ (ثابت ۲۰۰۵)

کشورهای OECD	VAT(%value added of industry and services)	TAX(%GDP)	کشورهای غیر OECD	VAT(% value added of industry and services)	TAX(%GDP)
استرالیا	6/3	۲۱/۳	برزیل	8/3	۱۴/۴
اتریش	9/34	۱۸/۳	کلمبیا	6/4	۱۳/۳
بلژیک	11/3	۲۴/۹	غنا	8/6	
کرواسی	18/5	۱۹/۶	هند	3/7	۱۰/۸
دانمارک	16/89	۳۳/۴	مالزی	3/6	۱۵/۶
فنلاند	15/69	۱۹/۹	نپال	11/3	۱۳/۹
فرانسه	10/72	۲۱/۴	پرو	8/9	۱۶/۵
آلمان	7/96	۱۱/۵	فیلیپین	4/2	۱۲/۹
مجارستان	17/36	۲۲/۸	آفریقای جنوبی	10/8	۲۵/۵
کره جنوبی	6/59	–	اروگوئه	15/63	۱۸/۸
هلند	12/78	۱۹/۶			
نروژ	13/33	۲۶/۸			
رمانی	14/44	۱۸/۵			
اسپانیا	6/074	۷/۲			
بریتانیا	12/31	۲۵/۱			
ایالات متحده	0/50	۱۰/۲			

مأخذ: بانک اطلاعاتی بانک جهانی www.databank.worldbank.com

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

نمودار شماره (۱) پراکنش نسبت مالیات بر ارزش افزوده، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی و اشتغال را در کشورهای مورد مطالعه برای سال ۲۰۱۲ نشان می‌دهد:



نمودار ۱. نسبت مالیات بر ارزش افزوده، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی و اشتغال سال ۲۰۱۲

مأخذ: بانک اطلاعاتی بانک جهانی

۳. پیشینه تحقیق

بر اساس مطالعات انجام شده در ایران و دیگر کشورها، اخذ مالیات مستقیم موجب کاهش اشتغال و مالیاتی که بر مصرف کننده نهایی باشد باعث افزایش اشتغال در بخش‌های اقتصادی می‌شود.بر اساس مطالعات انجام شده در ایران و دیگر کشورها، اخذ انواع مالیات گاهی موجب کاهش اشتغال در بخش‌های اقتصادی می‌شود. البته به نظر می‌رسد که این کاهش نیز تا حد زیادی تابع وضعیت بازار کار و میزان تأثیر مالیات بر شاخص قیمت باشد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

شریفی(۱۳۸۹) اثرات مالیات غیرمستقیم و مخارج دولت بر اشتغال و تورم (یک تحلیل داده- ستانده) را مورد بررسی قرار داده است. وی در این مقاله به بررسی اثرات اخذ مالیات‌های غیرمستقیم بر اشتغال و تورم ناشی از فشار هزینه‌ای در ایران با استفاده از آمار داده – ستاندهٔ سال ۱۳۸۰ پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اجرای این سیاست سبب افزایش شاخص قیمت تولیدکننده و ارتقای سطح اشتغال در جامعه می‌شود. با این حال میزان اثرات در بخش‌های مختلف یکسان نیست.

عزت‌اله عباسیان و همکاران (۱۳۸۴) به بررسی اثر نا اطمینانی مالیات بر اشتغال بخش‌های عمده اقتصاد ایران پرداخته‌اند. در این تحقیق نااطمینانی حاصل از نوسانات مالیات، براساس روش GARCH اندازه‌گیری شده و اثر آن بر بخش‌های مختلف اقتصادی، با روش OLS تخمین زده شده است. بر طبق نتایج به دست آمده، تأثیر نا اطمینانی سیاست‌های مالی- بعد مالیاتی سیاست‌های مالی- بر بخش صنعت، خدمات و بخش کشاورزی منفی است.

تقوی و رضایی (۱۳۸۴) در مطالعه‌ای به بررسی افزایش مالیات و اشتغال در ایران پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که واکنش معنی‌داری در اشتغال به سبب افزایش مالیات وجود دارد. همچنین، در مطالعه نادران و فولادی (۱۳۸۴) با استفاده از مدل تعادل عمومی، افزایش مخارج مصرفی دولت، سبب کاهش اشتغال و، در مقابل، افزایش مخارج سرمایه‌ای دولت در بخش‌های خدمات، ساختمان و نفت و گاز سبب افزایش اشتغال شده است.

یافته‌های مطالعات دیکسون و ریمر(۱۹۹۹) در استرالیا حاکی از اهمیت نسبتاً زیاد انعطاف‌پذیری سطح دستمزدها در تأثیر کوتاه‌مدت تغییرات در مالیات غیرمستقیم بر سطح اشتغال این کشور است. اما مطالعات کیان و گاروی(۲۰۰۶) نشان داده است که تأثیر اصلاحات مالیاتی ایرلند بر تعداد بیکاران این کشور، در مناطق روستایی، مشمول این اصلاحات مثبت بوده است. با این حال، برآوردهای انجام شده از هزینه طرح نشان می‌دهد که منافع حاصل از این اشتغال به اندازه‌ای نیست که بتواند آزمون کارایی این طرح را با موفقیت پشت سر بگذارد. هاتون و روکو (۱۹۹۹) در زمینهٔ تأثیر تغییرات در نرخ مالیات بر ارزش افزوده و جدول مالیات بر درآمد در کشورهای ایتالیا، فرانسه، آلمان و انگلستان در دوره ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۲م نشان می‌دهند که تغییرات بخش عمدهٔ بازار کار ممکن است ناشی از عکس‌العمل بازار نسبت به تغییرات در نرخ مالیات‌ها باشد.

علاوه بر این، به دلیل ارتباط مثبت و مشخص افزایش نرخ رشد اقتصادی بر نرخ اشتغال که مبانی نظری متعددی برای آن وجود دارد، اکثر مطالعات صورت گرفته در مورد تأثیر مالیات ارزش افزوده بر نرخ رشد اقتصادی است که به دلیل ارتباط مثبت بین نرخ رشد اقتصادی و نرخ اشتغال، این ارتباط

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

بین مالیات بر ارزش افزوده و نرخ اشتغال نیز برقرار خواهد بود. به عنوان نمونه، آدرتی و دیگران (۲۰۱۱) و امئورا (۲۰۱۳) در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند که مالیات بر ارزش افزوده دارای اثر مثبت بر نرخ رشد اقتصادی و نیز در کاهش فقر است. این امر از یک سو، به سبب افزایش درآمد لازم به منظور افزایش مخارج دولت و از سوی دیگر، به واسطه افزایش مخارج سرمایه‌ای اتفاق می‌افتد. همچنین، آدرتی و دیگران در مطالعه‌ای دیگر در سال ۲۰۱۱م که به بررسی اثر مالیات ارزش افزوده بر نرخ رشد اقتصادی در کشور نیجریه بین سال‌های ۲۰۰۸-۱۹۹۴م پرداخته‌اند، به این نتیجه رسیدند که مالیات بر ارزش افزوده اثر مثبت و مستقیمی بر نرخ رشد اقتصادی در این کشور داشته است.

امین رشتی و رفعت میلانی(۱۳۹۰)، به بررسی اثر مالیات بر ارزش افزوده بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب پرداخته‌اند. در این تحقیق ۲۰ کشور منتخب طی سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۰ م مورد بررسی قرار گرفته‌اند و از ضرایب جینی به عنوان شاخص نابرابری استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل بر مبنای روش اقتصادسنجی با استفاده از روش پانل دیتا است. نتایج نشان می‌دهد که در کشورهای کم درآمد، افزایش سهم مالیات بر ارزش افزوده از مالیات، ضریب جینی افزایش می‌یابد و، در نتیجه، نابرابری درآمد بیشتر می‌شود. اما در کشورهای پردرآمد، با افزایش سهم مالیات برارزش افزوده از مالیات، ضریب جینی کاهش می‌یابد و، در نتیجه، نابرابری درآمد کمتر می‌شود.

۴. تصریح مدل تحقیق و برآورد مدل

۴-۱. تصریح مدل

مدل ترکیبی پویای خطی را می توان به صورت زیر نشان داد:

$$y_{it} = \Delta\rho_j y_{it-j} + X'_{it}\beta + \delta_i + \varepsilon_{it} \qquad (۱)$$

که در آن:

y_{it}: متغیر وابسته

x_{it}: ماتریس k برداره از رگرسورها

ε_{it}: جزء خطا

β: بردار ضریب رگرسورها

δ_i: تاثیرات ویژه مقطعی (تصادفی یا ثابت)

$i=1,2,\ldots,M$ مقاطع مختلف مدل که در زمان های $t=1,2,\ldots,T$ مشاهده شده اند را نشان می‌دهد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

مشکل اساسی که در تخمین این مدل با آن روبه‌رو می شویم این است که وقفه متغیر وابسته درسمت راست با جزء خطا ارتباط دارد. این مشکل سبب می‌گردد تخمین زننده OLS تورش دار و ناسازگار شود. همچنین تأثیرات تصادفی تخمین زننده GLS در یک مدل داده های ترکیبی پویا، تورش دار می باشد. یکی از راه حل های معمول برای حل این مشکل یک مرتبه تفاضل گیری از معادله اصلی برای حذف تأثیرات مقطعی و سپس استفاده از تخمین زننده های GMM می باشد.

تفاضل مرتبه اول این تصریح بدین صورت می‌باشد:

$$\Delta y_{it} = \sum_{j=1}^{P} \rho_j y_{it-j} + \Delta X_{it}^{'} \beta + \Delta \varepsilon_{it} \qquad (۲)$$

تخمین GMM کارا از این معادله در حالت متداول شمار مختلفی از ابزارها شامل وقفه های متغیروابسته و متغیرهای برونزای (از پیش تعیین شده) قابل دسترس در هر دوره را استفاده خواهد کرد. استفاده از وقفه‌های متغیر وابسته به عنوان ابزار به برخی از محدودیت‌های کوراریانسی بر روی ε_iو δ_i نیاز دارد. این محدودیت‌ها به تعدادی شرایط گشتاوری اشاره دارد که به وسیله تخمین‌زننده‌های GMM بر معادله تفاضلی وضع می‌گردد. برای مثال فرض کنید وقفه‌های متغیر وابسته و سطوح متغیرهای توضیحی برون‌زا (از پیش تعیین شده) را به عنوان ابزار در معادله تفاضلی به کار ببریم. آنگاه در اولین دوره در دسترس یعنی در $t = 3, y_{i1}, x_{i1}, x_{i2}$ ابزارهای معتبری هستند. از آنجایی که y_{i1} با Δy_{i2} همبسته ولی با $\Delta \varepsilon_{i3}$ ناهمبسته است، همچنین، x_{i2} و x_{i1} با $\Delta \varepsilon_{i3}$ همبسته ولی با $\Delta \varepsilon_{i3}$ همبسته می‌باشند به طور مشابه متغیرهای ابزاری که برای دوره T ام به دست می‌آید عبارتند از $\left(y_{i1}, \dots, y_{i,T-2}, x_{i1}^{'}, \dots, x_{i,T-1}^{'}\right)$. با ادامه دادن این روش می‌توان مجموع‌هایی از ابزارهای از قبل تعیین شده را برای مقاطع i با استفاده از وقفه‌های متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی تشکیل داد:

$$W_i = \begin{bmatrix} [y_{i1}, x_{i1}^{'}, x_{i2}^{'}] & & \\ & [y_{i1}, y_{i2}, x_{i1}^{'}, x_{i2}^{'}, x_{i3}^{'}] & \\ & & [y_{i1}, \dots, y_{i,T-2}, x_{i1}^{'}, \dots, x_{i,T-1}^{'}] \end{bmatrix}$$

بنابراین، علاوه بر شرایط گشتاوری اولیه ، شرایط گشتاوری ثانویه با شروط زیر برقرار می باشد:

الف) برای همه i ها، همبستگی پیاپی در اجزای خطا وجود ندارد.

ب) متغیرهای توضیحی x به طور ضعیف برون‌زا هستند. بر این اساس شرایط گشتاوری زیر رامی‌توان بیان کرد:

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

$$E[y_{is}, \Delta\varepsilon_{i3}] = 0 \quad for\ s \geq 2, t = 3, \dots, t \qquad (۳)$$

$$E[x_{is}, \Delta\varepsilon_{i3}] = 0 \quad for\ s \geq 2, t = 3, \dots, t \qquad (۴)$$

با پیش ضرب W'در معادله تفاضلی داریم:

$$\acute{W}\Delta y_{i,t} = \acute{W}\sum_{j=1}^{P}\rho_j\Delta_{i,t-j} + \acute{W}(\Delta\acute{x}_{it})B + \acute{W}\Delta\varepsilon_{it} \qquad (۵)$$

با انجام GLS بر روی معادله بالا تخمین سازگار اولیه آرلانو و باند[1] به دست می‌آید لیکن تخمین زننده بهینه GMM دو مرحله‌ای آرلانو و باند برای β و ρ با استفاده از محدودیت‌های گشتاوری بالا بدین شکل خواهد بود:

$$\begin{pmatrix}\hat{\rho}\\ \hat{B}\end{pmatrix} = \left([\Delta y_{-1}, \Delta x]'W\hat{A}^{-1}\acute{W}[\Delta y_{-1}, \Delta x]\right)^{-1}\left([\Delta y_{-1}, \Delta x]'W\hat{A}^{-1}\acute{W}\Delta y\right) \qquad (۶)$$

در مورد $\hat{B}$ تخمین زننده GMM از حداقل نمودن فرم درجه دوم زیر بدست می آید :

$$s(B) = \left[\acute{W}\varepsilon(B)\right]'A\left[\acute{W}\varepsilon(B)\right] = g(B)\acute{A}g(B) \qquad (۷)$$

که در آن A یک ماتریس وزن دهنده است.

با فرض اینکه ε_{it} خود همبستگی نداشته باشد آنگاه ماتریس وزن دهنده بهینه برای معادله تفاضلی به صورت زیر خواهد بود:

$$A^d = \left(\sum_{i=1}^{M}\acute{W}\,\Xi W\right)^{-1} \qquad (۸)$$

و Ξ برابر است با :

$$\Xi = \frac{1}{2}\begin{bmatrix} 2 & -1 & \dots & \dots & \dots & 0 & 0\\ -1 & 2 & \dots & \dots & \dots & 0 & 0\\ \dots & \dots & \dots & \dots & \dots & \dots & \dots\\ 0 & 0 & 0 & 0 & \dots & 2 & -1\\ 0 & 0 & 0 & \dots & -1 & 2 & 2 \end{bmatrix}$$

این ماتریس وزنی در حقیقت ماتریسی است که در تخمین یک مرحله‌ای آرلانو و باند به کار می‌رود. با استفاده از اجزای خطای به دست آمده از تخمین یک مرحله‌ای می‌توان ماتریس وزنی دیگری به صورت زیر نوشت:

$$A = \left(\left(\sum_{i=1}^{M}\acute{W}\,\Delta\varepsilon_i\Delta\varepsilon_i'W\right)^{-1}\right) \qquad (۹)$$

1. Arellano & Bond

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

که همان ماتریس وزنی تخمین دو مرحله ای است.

به طور کلی در تخمین‌های GMM همواره سه نکته اساسی وجود دارد :

۱. تصریح متغیرهای ابزاری W

۲. انتخاب ماتریس وزن‌دهنده A

۳. تعیین یک تخمین زن برای V

با توجه به مطالب ذکرشده می‌توان بیان کرد که انواع تصریحات در چارچوب مدل‌های GMM قابل توضیح است. به عنوان مثال تخمین‌زن‌های 2SLS, 3SLS,... حالات خاصی از مدل‌های GMM می‌باشند (Green,2003).

بررسی شرایط اشتغال در کشورهای منتخب نشان می‌دهد که عوامل بسیاری بر اشتغال مؤثر می‌باشد. ازجمله این عوامل می‌توان به میزان رشد اقتصادی، میزان مالیات‌ها بجز مالیات بر ارزش افزوده، میزان مالیات بر ارزش افزوده و تورم اشاره کرد.

به منظور تجزیه و تحلیل رابطهٔ بلندمدت بین میزان مالیات‌ها بجز مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر ارزش افزوده بر میزان اشتغال در میان کشورهای منتخب غیر OECD و OECD به ترتیب از مدل آجالا[1] و همکاران که در مطالعه آقای هومن صمدیان (۱۳۸۸) آمده بود به صورت زیر استفاده شود، با این تفاوت که مدل آجالا و همکاران برای رشد اقتصادی است درحالی که در این تحقیق اثر مالیات بر ارزش افزوده بر اشتغال مورد بررسی قرار گرفته است.

بررسی مطالعات انجام شده در زمینه اشتغال و متغیرهای تأثیرگذار بر آن نشان داده است که اشتغال به طور غیرمستقیم فارغ از عوامل تأثیرگذار بر بازار کار، به عواملی از قبیل رشد تولید ناخالص داخلی، تعداد نیروی کار، مالیات، تورم و ... بستگی دارد. بر این اساس می‌توان رابطه‌ای را براساس یک فرم حل شده ad hoc به صورت زیر تبیین نمود:

$$\log EMP_{it} = A + \beta_1 \log GDP_{it} + \beta_2 \log L_{it} + \beta_3 \frac{tax_{it}}{GDP} + \beta_4 \frac{vat_{it}}{GDP_{it}} + \beta_5 In_{it} \quad (۱۰)$$

در این رابطه برای هموارسازی متغیرها از لگاریتم آنها استفاده شده و هر یک از آنها به صورت زیر قابل تعریف است:

GDP_{it} = میزان تولید ناخالص داخلی (GDP) در کشور iام در زمان tام.

1. Ajala, O. A.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

EMP_{it} =میزان اشتغال در کشور iام در زمان tام.

L_{it} =نیروی کار در کشور iام، زمان tام .

$\frac{tax_{it}}{Gdp}$ =نسبت میزان کلیه مالیات‌ها به غیرمالیات ارزش افزوده میزان تولید ناخالص داخلی در کشور iام زمان tام.

$\frac{vat_{it}}{GDp}$ =نسبت میزان مالیات ارزش افزوده کالا و خدمات به میزان تولید ناخالص داخلی در کشور iام زمان tام.

In_{it} = تورم، شاخص قیمت مصرف‌کننده در کشور iام، زمان tام .

β_1 =کشش تولید ناخالص داخلی.

β_2 =کشش نیروی کار.

β_3 = میزان کشش کلیه مالیات‌ها بجز مالیات ارزش افزوده .

β_4 = میزان کشش مالیات بر ارزش افزوده .

β_5 =میزان کشش تورم.

براساس پیشینه تحقیق و مطالعات صورت‌گرفته شده انتظار می‌رود که $\beta_1\rangle 0$، $\beta_2\rangle 0$، $\beta_3\langle 0$، $\beta_4\rangle 0$، $\beta_5\langle 0$ باشند.

۴-۲. برآورد مدل

به منظور آزمون فرضیه‌ها در این تحقیق ابتدا تابع اشتغال برای کشورهای عضو OECD و کشورهای غیرعضو برآورد شده و سپس به بررسی نتایج پرداخته خواهد شد. در ابتدای امر با توجه به اینکه دوره زمانی مورد بررسی به نسبت طولانی بوده و احتمال وجود ریشه واحد در بین متغیرها وجود دارد، آزمون ریشه واحد برای متغیرهای مورد نظر انجام گرفت. نوشتارهای اقتصادسنجی و ریشه واحد بیانگر این است که آزمون ریشه واحد مبتنی بر داده‌های پانل دارای قدرت و صحت بیشتری نسبت به آزمون ریشه واحد داده‌های سری زمانی است. در این مقاله، از آزمون ریشه واحد لوین، لین و همکاران (LLC) برای بررسی مانایی متغیرها استفاده شده است. فرض اساسی آزمون LLC وجود یک فرایند ریشه واحد در بین مقاطع است، در حالی که آزمون IPS این امکان را فراهم می‌سازد که ناهمگونی در بین اثرات فردی وجود داشته باشد. اینجا آزمون ایستایی و مانایی با استفاده از آزمون ریشه واحد (LLC) برای تک تک متغیرهای انتخابی در سطح صفر (بدون تفاضل‌گیری) مورد بررسی قرار گرفته

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

است. نظر به اینکه در این تحقیق متغیرها به صورت لگاریتم برآورد می‌گردد، متغیرهایی که در این جداول به صورت لگاریتمی مورد آزمون قرار گرفته‌اند، آورده شده است. همان‌طور که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود تمامی متغیرهای برای کشورهای توسعه‌یافته در سطح ماناست.

جدول ۴. آزمون ریشه واحد لوین، لین و همکاران برای کشورهای توسعه یافته

متغیرها	Statistic	Prob	نتایج
in	-۱۰/۰۲۲۹	۰/۰۰۰	مانا
LEMP	-۳/۰۹	۰/۰۰۱	مانا
LGDP	-۴/۰۴	۰/۰۰۰	مانا
LL	-۲/۱۴	۰/۰۱۵۹	مانا
LTAX	-۳/۸۶	۰/۰۰۰۱	مانا
LVAT	-۱/۷۹	۰/۰۳۵	مانا

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول شماره (۵) آزمون ریشه واحد متغیرها را برای کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود تمامی متغیرهای برای کشورهای درحال توسعه بجز نیروی کار در سطح ماناست. بنابراین، لازم است تا آزمون ریشه واحد Levin,lin& chu t با یک بار تفاضل‌گیری برای نیروی کار نیز محاسبه گردد.

جدول ۵. آزمون ریشه واحد لوین، لین و همکاران برای کشورهای درحال توسعه

متغیر ها	Statistic	Prob	نتایج
in	-۵/۸۳	۰/۰۰۰	**مانا**
LEMP	-۲/۲۶	۰/۰۱۷	**مانا**
LGDP	۳/۸	۰/۰۰۰۱	**مانا**
LL	۳/۳	۰/۹۹	**نامانا**
LTAX	۲/۹۶	۰/۰۰۱۵	**مانا**
LVAT	-۴/۸	۰/۰۰۰	**مانا**
D(LL)	-۴/۰۲	۰/۰۰۰	**مانا**

مأخذ: محاسبات تحقیق

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

با توجه به نتایج آزمون‌های پایایی استنباط می‌گردد که در سطح یک (یک بار تفاضل گیری) کلیه متغیرها، ایستا (مانا) می‌باشند.

در جدول (۶) نتایج برآورد تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر اشتغال را برای کشورهای OECD، به روش GMM پانل دیتای پویا OGMM برای ۱۶ کشور منتخب شامل استرالیا، اتریش، بلژیک، کرواسی، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، مجارستان، کره جنوبی، هلند، نروژ، رومانی، اسپانیا، انگلیس و آمریکا نشان داده شده است. براساس نتایج حاصله میزان اشتغال دوره قبل، رشد اقتصادی، میزان نیروی کار، نسبت میزان کلیه مالیات‌ها بجز مالیات ارزش افزوده و نسبت مالیات ارزش افزوده و تورم عواملی تأثیرگذار بر اشتغال در کشورهای OECD می‌باشند.

جدول ۶. مدل برآوردی کشورهای OECD

متغیر	ضریب	انحراف معیار	t-Statistic	احتمال
LOG(EMP(-1))	۰/۷۶۴۹۸۷	۰/۰۹۱۴۳	۸/۳۶۶۹۰۴	۰/۰۰۰
LOG(GDP)	۰/۲۴۴۸۱۳	۰/۰۶۴۴۷۳	۳/۷۹۷۱۷۳	۰/۰۰۰۲
IN	۰/۰۰۱۷۸۷	۰/۰۰۲۳۱۷	۰/۷۷۱۳۹۸	۰/۴۴۱۸
LOG(L)	-۰/۲۶۸۸۸۱	۰/۱۰۸۰۰۹	-۲/۴۸۹۴۳۵	۰/۰۱۴۰
LOG(TAX)	-۰/۰۱۴۰۵۴	۰/۰۳۵۳۱۶	-۲/۳۹۷۹۶۰	۰/۰۴۹۱۳
LOG(VAT)	۰/۰۸۹۲۱۲	۰/۰۳۸۹۸۶	۲/۲۸۸۳۲۷	۰/۰۲۳۶
Instrument rank	۷		J-statistic	۱/۹۴۹۷۲۹

مأخذ: محاسبات تحقیق

در جدول شماره (۶) میزان آماره t- Statistic بیان‌کننده این است که ضرایب تک تک متغیرهای انتخابی شامل میزان اشتغال دوره قبل، نیروی کار، میزان تولید ناخالص داخلی، مالیات بر ارزش افزوده و کلیه مالیات‌ها بجز مالیات بر ارزش افزوده قابل قبول (معنی‌دار) است. به عبارت دیگر، تک تک متغیرهای مستقل بجز تورم بر متغیر وابسته یعنی میزان اشتغال مؤثر می‌باشند.

میزان آماره سارجنت (J-statistic) برابر ۱/۹۴ می‌باشد که نشان دهنده اعتبار ابزارهای استفاده شده در مدل است. برای اطمینان میزان prob آماره J-statistic نیز محاسبه شده و مقدار برآوردی آن برابر۰/۱۶ می‌باشد بدین سبب که میزان این آماره بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین، اعتبار ابزارهای استفاده شده در مدل مورد تأیید قرار می‌گیرد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

با توجه به اینکه تابع ما در این تحقیق برای متغیر مستقل لگاریتمی است، میزان متغیر وابسته مدل نیز به صورت لگاریتمی می‌باشد. بنابراین، ضریب این متغیر مستقل میزان حساسیت (کشش) را نشان می‌دهد. جدول شماره (۶) نشان می‌دهد که کشش تولید ناخالص داخلی، نیروی کار، اشتغال دوره قبل، میزان تورم، نسبت کلیه مالیات‌ها بجز مالیات بر ارزش افزوده بر تولید ناخالص داخلی دوره قبل، نسبت مالیات ارزش افزوده به تولید ناخالص به ترتیب برابر با ۰/۲۴، ۰/۲۶-، ۰/۷۶، ۰/۰۰۱۷، ۰/۰۱۴ و ۰/۰۸۹ برآورد شده است. بدین معنی که یک درصد تغییر در هر یک متغیرهای فوق به میزان ضرایب برآورد شده منجر به درصد تغییر میزان اشتغال خواهد شد.

در جدول (۷) نتایج برآوردی عوامل مؤثر بر اشتغال در کشورهای غیر OECD، به روش GMM پانل دیتای پویا برای ۱۱ کشور منتخب شامل برزیل، کلمبیا، غنا، هند، مالزی، مولداوی، نپال، پرو، فیلیپین، آفریقای جنوبی و اروگوئه را نشان داده است. براساس نتایج حاصله میزان اشتغال دوره قبل، رشد اقتصادی، میزان نیروی کار، نسبت میزان کلیه مالیات‌ها بجز مالیات ارزش افزوده و نسبت مالیات ارزش افزوده عواملی تأثیرگذار بر اشتغال در کشورهای غیر OECD می‌باشند.

جدول ۷. مدل برآوردی کشورهای غیر OECD

متغیر	ضریب	انحراف معیار	t-Statistic	احتمال
LOG(EMP(-1))	۰/۸۵۳۴۴۴	۰/۰۹۰۱۵۲	۹/۴۶۶۷	۰/۰۰۰
LOG(GDP)	۰/۰۶۳۲۷۶	۰/۰۲۲۶۶۴	۲/۷۹۱۹	۰/۰۰۶۶
LOG(L)	-۰/۱۱۳۵۸۴	۰/۰۵۰۰۷۹	-۲/۲۶۸۱	۰/۰۲۶۲
LOG(IN)	۰/۰۰۰۱۸۷	۰/۰۰۰۲۳۳	۰/۸۰۳۹۰۵	۰/۴۲۴۰
LOG(TAX)	-۰/۰۲۹۱۵۷	۰/۰۱۲۱۰۲	-۲/۴۰۹۲۳۰	۰/۰۱۸۴
LOG(VAT)	۰/۰۴۰۳۹۸	۰/۰۰۹۷۲۸	۴/۱۵۲۹۰۲	۰/۰۰۰۱
Instrument rank	۷		J-statistic	۲/۰۹۱۰

مأخذ: محاسبات تحقیق

میزان آماره t- Statistic بیان‌کننده این است که ضرایب تک تک متغیرهای انتخابی شامل میزان اشتغال دوره قبل، نیروی کار، میزان تولید ناخالص داخلی، مالیات بر ارزش افزوده و کلیه مالیات‌ها بجز مالیات بر ارزش افزوده قابل قبول (معنی‌دار) است. به عبارت دیگر، تک تک متغیرهای مستقل بجز تورم بر متغیر وابسته یعنی میزان اشتغال مؤثر می‌باشند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

آماره سارجنت: میزان J-statistic برابر ۲/۹ می‌باشد که نشان دهنده اعتبار ابزارهای استفاده شده در مدل می‌باشد. برای اطمینان میزان prob آماره J-statistic نیز محاسبه شده و مقدار برآوردی آن برابر ۰/۱۴ می‌باشد. به دلیل اینکه میزان این آماره بیشتر از ۰/۰۵ است، اعتبار ابزارهای استفاده شده در مدل مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول شماره (۷) نشان می‌دهد که کشش تولید ناخالص داخلی، نیروی کار، اشتغال دوره قبل، میزان تورم، نسبت کلیه مالیات‌ها بجز مالیات بر ارزش افزوده بر تولید ناخالص داخلی دوره قبل، نسبت مالیات ارزش افزوده به تولید ناخالص برای کشورهای غیرعضو OECD، به ترتیب برابر با ۰/۰۶۳، ۰/۱۱-، ۰/۸۵، ۰/۰۰۰۱۸، ۰/۲۹- و ۰/۰۴ برآورد شده است.

نتایج دو جدول شماره (۶) و (۷) در مقایسه اثر اشتغال دوره قبل بر اشتغال دوره بعد نشان می‌دهد که در کشورهای OECD این میزان برابر با۰/۷۶ و در کشورهای غیر OECD برابر با۰/۸۵است. بنابراین میزان اشتغال دوره قبل در کشورهای غیر OECD، ۱/۱۱ برابر بیشتر از کشورهای OECD بر میزان اشتغال دوره بعد تأثیرگذار می‌باشد.

همچنین در مقایسه اثر نیروی کار بر میزان اشتغال مشاهده می‌شود که در کشورهای OECD این میزان برابر است با ۰/۲۶- و در کشورهای غیر OECD برابر است با ۰/۱۱۳-. بنابراین، می‌توان گفت که تعداد نیروی کار در کشورهای غیر OECD اثر بسیار بیشتری بر اشتغال دارد زیرا تمامی کشورهای غیر OECD کشورهایی هستندکه به سبب جمعیت بالا، نیروی کار در آنها زیاد بوده و به اصطلاح کشورهای کاربر می‌باشند. در مقایسه اثر کلیه مالیات‌ها بجز مالیات ارزش افزوده بر اشتغال با توجه به مدل‌های برآوردی در کشورهای OECD میزان ۰/۰۱۴ - و در کشورهای غیر OECD برابر ۰/۰۲۹- می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت کلیه مالیات‌ها بجز مالیات ارزش افزوده در کشورهای غیر OECD، اثر کمتری بر اشتغال می‌گذارد. یکی از دلایل آن را می‌توان این گونه دانست که در کشورهای غیر OECD میزان مالیات دریافتی بسیار کمتر از کشورهای OECD می‌باشد. از علل آن می‌توان کارایی ضعیف نظام مالیاتی؛ ضعف قانون و نپذیرفتن قوانین مالیاتی در کشورهای غیر OECD دانست. همچنین، در مقایسه اثر مالیات ارزش افزوده بر اشتغال با توجه به مدل‌های برآوردی در کشورهای OECD به میزان ۰/۰۸۹ و در کشورهای غیر OECD به میزان ۰/۰۴می‌باشد. بنابراین، مالیات ارزش افزوده در کشورهای OECD، اثر بزرگ‌تری بر اشتغال دارد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

۵. نتیجه‌گیری

یکی از معمول‌ترین روش‌های کسب درآمد به منظور پوشش مخارج دولت در اقتصادی استفاده از انواع مالیات‌هاست که به طورمستقیم و یا غیرمستقیم از مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات اخذ می‌گردد. با توجه به اینکه مالیات‌ها سیاست‌های مالی انقباضی دولت‌ها محسوب می‌شوند و از نظر تئوریک می‌تواند موجب کاهش درآمدهای افراد و مشاغل و، در نتیجه، کاهش قدرت خرید و تولید آنها شده و موجبات کاهش اشتغال را فراهم آورد و از طرف دیگر، با اخذ مالیات بیشتر، دولت‌ها از درآمد بالاتری به منظور تأمین مخارج و اعمال سیاست‌های مالی انبساطی به منظور توسعه اشتغال برخوردار خواهند بود، یکی از سؤالات مهم اثر خالص مالیات و انواع آن بر میزان اشتغال است. در این مقاله هدف بررسی اثر مالیات ارزش افزوده بر اشتغال در کشورهای گروه OECD و غیر OECD و تبیین تفاوت میزان اثر در این دو گروه کشور بوده است. در مطالعه حاضر سه فرضیه مطرح زیر مطرح گردید:

۱. بین مالیات بر ارزش افزوده و اشتغال در کشورهای OECD رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

۲. بین مالیات بر ارزش افزوده و اشتغال در کشورهای غیر OECD رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

۳. اثر مالیات بر ارزش افزوده در کشورهای OECD و غیر OECD متفاوت است.

باتوجه به مدل‌های برآوردی مشاهده می‌شود که متغیرهای مستقل میزان اشتغال دوره قبل، تولید ناخالص داخلی، سرمایه فیزیکی، کلیه مالیات‌ها، بجز مالیات ارزش افزوده، مالیات ارزش افزوده، در هر دو دسته کشورهای غیر OECD و OECD اثری معناداری بر اشتغال دارند. همچنین تورم در کشورهای غیر OECD و OECD معنادار نمی‌باشد. نتایج تجربی حکایت از آن دارد که نمی‌توان فرضیات فوق را رد نمود.

منابع

امین رشتی، نارسیس و رفعت میلانی، مژگان (۱۳۹۰). "بررسی اثر مالیات بر ارزش افزوده بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب". *پژوهشنامه مالیات*. شماره ۵۹. پاییز.

پژویان، جمشید (۱۳۹۰). *اقتصاد بخش عمومی (مالیات‌ها)*. جلد دوم. چاپ هشتم. تهران: جنگل .

تقوی، مهدی و رضایی، ابراهیم (۱۳۸۴). "بررسی اثر سیاست‌های مالی بر مصرف و اشتغال در اقتصاد ایران". *مجله پژوهشنامه اقتصادی*. شماره ۱۵. زمستان.

رحمانی، تیمور (۱۳۷۸). *اقتصاد کلان*. تهران: برادران .

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

شریفی، نورالدین (۱۳۸۹). "اثر مالیات غیرمستقیم و مخارج دولت بر اشتغال و تورم؛ یک تحلیل داده – ستانده". *مجله تحقیقات اقتصادی*. دانشگاه تهران.

صمدیان، هومن (۱۳۹۲). *اثر مالیات بر ارزش افزوده بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

ضیایی بیگدلی، محمدتقی (۱۳۸۲). "جایگاه مالیات بر ارزش افزوده در اصلاح نظام مالیاتی". زمستان. *مجلس و پژوهش*. شماره ۴۵.

طیب‌نیا، علی (۱۳۸۳). *بررسی اثر احتمالی اجرای مالیات بر ارزش افزوده بر تورم و نابرابری*. طرح تحقیقاتی مؤسسه توسعه و تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران. جلد سوم. پاییز.

عباسیان، عزت‌الله؛ مرداپوراولادی، مهدی و هاشم‌بیگی، مجتبی (مهر و آبان ۱۳۸۵). "بررسی اثر عدم اطمینان مالیاتی بر اشتغال بخش‌های عمده اقتصادی ایران". *مجله تحقیقات اقتصادی*. شماره ۵۷.

نادران، الیاس (۱۳۸۰). "مالیات بر ارزش افزوده؛ روش‌ها و آثار". *پژوهش‌های اقتصادی*. شماره ۱ .

نادران، الیاس و فولادی، معصومه (۱۳۸۴). "ارائه یک مدل تعادل عمومی برای بررسی آثار مخارج دولت بر تولید، اشتغال و درآمد خانوارها". *پژوهشنامه اقتصادی*. شماره ۱۹.

بانک اطلاعاتی بانک جهانی www.databank.worldbank.com

Adereti, S.A.; Sanni, M. R. & Adesina, J. A. (2011). "Value Added Tax and economic Growth of Nigeria". *European Journal of Humanities and Social Science.10(1)*. Pp. 456-471.

Dixon, P. B. & Rimmer, M. T. (1999). The governments tax package: short run implication for employment by industry, region, occupation, age and gender, appendix 4 in report of the inquiry into the GST and new tax system, senate employment, workplace relation, small business and education references committee, parliament house, Canberra. March.

Keane, M. & Garvey, E. (2006). "Measuring the Employment Effects of the Rural Renewal Tax Scheme". *Regional Studies*. 40 (3). Pp. 359-374.

Umeora, C. E. (2013). "The Effects of Value Added Tax (VAT) on the Economic Growth of Nigeria". *Journal of Economics and Sustainable Development*. Vol. 4. No. 6.

Lora Eduardo & Fajardo Jojana (2012). *Employment and Taxes in Latin America: An E, mperical Study of the Effects of Payroll, Corporate Incom and Value Added Taxes on Laboe Putcomes*. IDB Working Paper. No. IDB-WP-334.

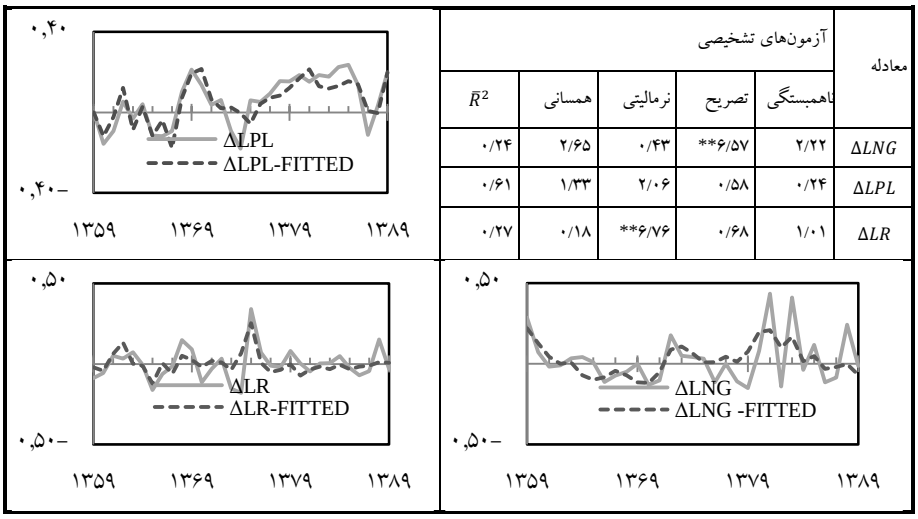
[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]

پیوست‌ها

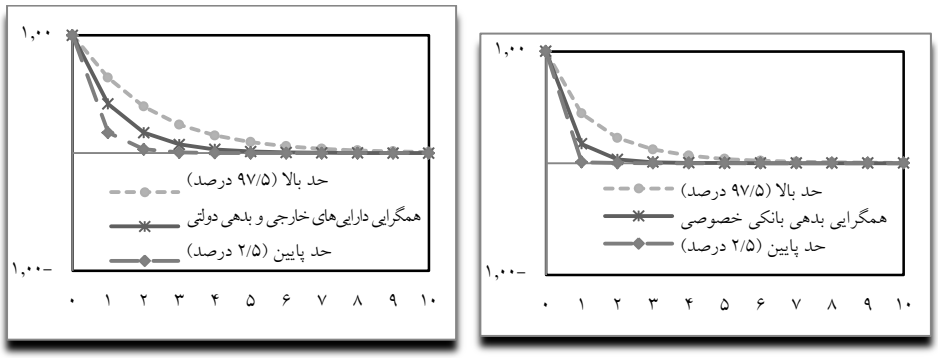
جدول ۱ پ. آزمون‌های تشخیصی مدل ساختاری کوتاه‌مدت

معادله	آزمون‌های تشخیصی				
	ناهمبستگی	تصریح	نرمالیتی	همسانی	$\bar{R}^2$
ΔLNG	۲/۲۲	**۶/۵۷	۰/۴۳	۲/۶۵	۰/۲۴
ΔLPL	۰/۲۴	۰/۵۸	۲/۰۶	۱/۳۳	۰/۶۱
ΔLR	۱/۰۱	۰/۶۸	**۶/۷۶	۰/۱۸	۰/۲۷



توضیح: آماره آزمون‌ها، آماره چی دو هستند. ** نشان‌دهنده معنی‌داری آماری در سطح ۵ درصد است.

مأخذ: محاسبات تحقیق



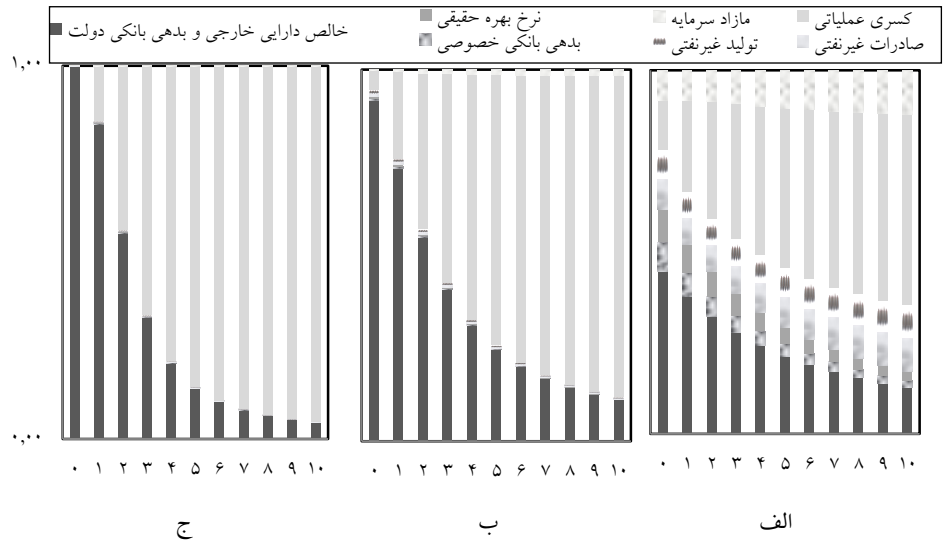
ب الف

نمودار ۱ پ. واکنش مدل به تکانه فراگیر

توضیح: حدهای بالا و پایین (خط چین‌ها) با ۲۰۰۰۰ تکرار در روش شبیه‌سازیِ بوت استرپ به دست آمده است.

مأخذ: محاسبات تحقیق

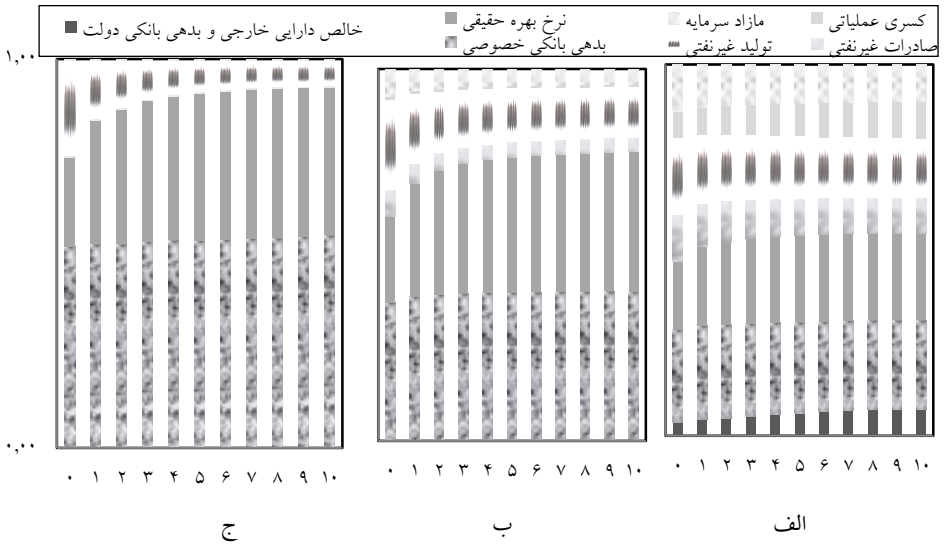
[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]



نمودار ۲ پ. تجزیه واریانس تعمیم‌یافته خالص دارایی‌های خارجی و بدهی بانکی دولت

توضیحات: به ترتیب از چپ به راست شامل بیشترین مقادیر (۹۷/۵ درصد)، برآورد نقطه‌ای و کمترین مقادیر (۲/۵ درصد) است. بیشترین و کمترین مقادیر با ۲۰۰۰ تکرار در روش شبیه‌سازیِ خودپردازی به دست آمده است.

مأخذ: محاسبات تحقیق



نمودار ۳ پ. تجزیه واریانس تعمیم‌یافته بدهی بانکی بخش خصوصی

توضیحات: به ترتیب از چپ به راست شامل بیشترین مقادیر (۹۷/۵ درصد)، برآورد نقطه‌ای و کمترین مقادیر (۲/۵ درصد) است. بیشترین و کمترین مقادیر با ۲۰۰۰ تکرار در روش شبیه‌سازیِ خودپردازی به دست آمده است.

مأخذ: محاسبات تحقیق

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-06]